

۱۵/۹۹/۴۲
تیر ۱۳۹۹
بیانیه

ISO 9001-2008



سال "جهش توکید"

با سه تعالیٰ
بخشنامه

معاون حقوقی و فنی مالیاتی

م	۳۴ ۵۵	ماده	۹۹	۴۲
---	-------	------	----	----

امور مالیاتی شهر و استان تهران	ذینفعان			
ادارات کل امور مالیاتی				

ایlagع دادنامه شماره ۴۳۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر تقضی رأی شماره ۲۸۷ و ۲۸۶ مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر تقضی رأی شماره ۲۸۷ و ۲۸۶ مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال ماده ۱۳ آین نامه اجرایی موضوع تبصره ۲ ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم

به پیوست دادنامه شماره ۴۳۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متنضم رأی آن هیأت به شرح ذیل (مبنی بر تقضی رأی شماره ۲۸۷ و ۲۸۶ مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال ماده ۱۳ آین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم موضوع مصوبه شماره ۳۸۶۹ ت/۵۲۸۸۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۱)، جهت اجرا ابلاغ می‌شود.

"به موجب ماده ۲۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم؛ «مرجع رسیدگی به کلیه اختلاف‌های مالیاتی جز در مواردی که ضمن مقررات این قانون مرجع دیگری پیش‌بینی شده، هیأت حل اختلاف مالیاتی است ...» و بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم؛ «مؤبدی مالیاتی مکلف است مقدار مالیات مورد قبول را پرداخت و نسبت به مازاد بر آن اعتراض خود را در مدت مقرر تسلیم کند». با توجه به حکم مقرر در مواد قانونی فوق و با عنایت به اینکه حکم مقرر در ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم صرفاً در مقام اعمال منوعیت برای پرخی اشخاص در رابطه با در اختیار قرار دادن اموال و دارایی متوفی پیش از اخذ گواهی پرداخت مالیات وضع شده و متنضم حکمی نیست که بر اساس آن، ارجاع برونوشهای موضوع این ماده به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی مستلزم آن باشد که اشخاص قبل از مراجعت به هیأت‌های فوق ملزم به پرداخت کل مالیات تعیین شده باشند؛ لذا حکم ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم استثنایی بر احکام کلی مقرر در ماده ۲۴۴ و تبصره ۱ ماده ۲۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم محسوب نمی‌شود، بر همین اساس، در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آین دادرسی دیوان عدالت اداری، رأی شماره ۲۸۷ و ۲۸۶ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقضی می‌گردد و ماده ۱۳ آین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم که متنضم الزام افراد به پرداخت مالیات تعیین شده موضوع ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم قبل از طرح اعتراض در هیأت حل اختلاف مالیاتی است، به دلیل مغایرت با تبصره ۱ ماده ۲۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود." ۱۳۹۵-۰۲-۲۶

محمود علیراده

نحوه ابلاغ: فیزیکی / سیستمی	مراجع ناطق: دادستانی انتظامی مالیاتی	مدت اجرا: مطابق بخشنامه	تاریخ اجرا: مطابق بخشنامه
-----------------------------	--------------------------------------	-------------------------	---------------------------

۱۴۰۵/۱۱/۲۱

نامه
کمیته
وزارت امور اقتصادی و دارایی دست نخانه سازمان	
.....
.....
.....

۹۶/۱/۱۱

رئیس جمهور

جمهوری اسلامی ایران

تصویب امر رئیسیت ایران

بسم تعالیٰ

وزارت امور خارجه - وزارت امور خارجه - وزارت دادگستری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان ثبت اسناد و اعلاق کشور

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت امور خارجه - وزارت دادگستری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان ثبت اسناد و اعلاق کشور

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ به پیشنهاد شماره ۲۱۰۲۲۱ مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

- وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره (۱) ماده (۲۶) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم

- مصوب ۱۳۹۴ - آینین نامه تجزیی ماده یادشده را به شرح زیر تصویب کرد:

آینین نامه اجرایی ماده (۲۶) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۹۴ -

ماده ۱- در این آینین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروط مربوط به کار می‌روند:

- الف- قانون: قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحی‌های بعده آن.
- ب- اداره امور مالیاتی صلاحیت‌دار: اداره امور مالیاتی که آخرین اختماگاه متوفی در محدوده آن واقع شده است.

ج- اختماگاه: به ترتیب مقرر در قانون مدنی.

- د- مددی: اشخاص موضوع صدر ماده (۲۶) قانون (ورث موقی (منفرد) یا مجتمعاً) یا ولی یا امین قیم با نیازنده قانونی آنها.
- ه- تابعیت: به ترتیب مقرر در قانون مدنی.

و- سازمان: سازمان امور مالیاتی کشور.

- ماده ۲- اشخاص مذکور در ماده (۲۶) قانون، تکلیفی درخصوص دریافت گواهی موضوع این آینین نامه از مددیاتی که حسب ماده (۲۶) قانون مستحب به تسلیم افظاعه رسانه مالیاتی در موضع مقرر قانونی اقدام گردیدند و مکلفی‌های موضوع ماده فوق را در خصوص اموال و دارایی‌های متوفی دریافت کردند، برای همان اموال و دارایی‌های ندارند.
- تبصره - در مواردی که در اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون، بخشی از ارزش یک، میل پس از کسر دیوبون متحقق، واجبات مالی و عبادی و غریبه کفن و دفن، مشمول مالیات نشود، بالچشمکه آن مال به نسبت ارزش کل مال مذموم در زمان ثبوت، به مأخذ و ترجیح‌های منتهی‌الیه (۱) تا (۵) ماده (۱۷) قانون مشمول مالیات خواهد بود.





ماده ۱۵ - چنانچه قبل از تحويل و با انتقال اموال و دارایی‌های متوافقی به ورات، یکی با تعنادی از ورته قوت شوند، در این حالت با توجه به مقررات این آیین‌نامه و آیین‌نامه موضوع ماده (۲۶) قانون، کلیه اتفاقات برای دو یا چند متوافقی به صورت جداگانه انجام و محاسبه می‌شود.

ماده ۱۶ - نمونه کاربری (فرم) گواهی‌های موضوع ماده (۲۶) قانون، توسط سازمان تهیه و در اختصار متقاضیان قرار می‌گیرد.

اسحاق چهلگیری
معاون اول رئیس جمهور

رونوشت به دفتر مدام معلم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر رئیس کوهه قضاییه، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دبیرخانه مجلس شورای اسلامی، دفتر امور امنیت نظامی، سازمان مدرسین و پرسنل‌بزی کشور، معاونت حقوقی رئیس جمهور، معاونت امور مجلس رئیس جمهور، معاونت اجرایی رئیس جمهور، دیوان محاسبات کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان جازویسی کل کشور، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، امور تدوین، تنظیع و انتشار قوانین و مقررات، کلیه وزارت‌خانه‌های سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت و دفتر هیئت دولت ابلاغ می‌شود.



فَلَا تَتَبَعُوا الْهُوَى أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه آرای هیات عمومی

کلاسه پرونده:
9900339

شاکی:
رئیس دیوان عدالت اداری

موضوع:

اعمال ماده 91 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شماره 287 و 286/16/2/1399 هیات عمومی دیوان عدالت اداری تقضی گردید و ماده 13 آیین نامه اجرایی تبصره 3 ماده 34 قانون مالیاتهای مستقیم ابطال شد.

تاریخ ارای:
بیکشنه 8 تیر 1399

شماره دادنامه:
439

بسم الله الرحمن الرحيم
شماره دادنامه : 439

تاریخ دادنامه: 1399.3.20

شماره پرونده: 9900339

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری
متقاضی: رئیس دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده 91 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال 1392 نسبت به رأی شماره 286-287 1399.2.16 مورخ 1399 هیات عمومی دیوان عدالت اداری

گردش کار: ۱- به موجب دادنامه شماره 287-286 مورخ 2.16 آیین نامه اجرایی دیوان عدالت اداری، ماده 13 « آیین نامه اجرایی ماده 34 اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب سال 1394 » موضوع مصوبه شماره 1395.1.21-52886 ت 3869 هیات وزیران، ابطال نشد.

۲- متن رأی شماره 287-286 مورخ 2.16 آیین نامه اجرایی دیوان عدالت اداری به قرار زیر است:

بر مبنای ماده 34 قانون مالیات های مستقیم اصلاحی سال 1394، اشخاص موضوع این ماده مجاز نیستند قبل از اخذ گواهی پرداخت مالیات مربوط موضوع این قانون، اموال و دارایی های متوفی را به وراث یا موصی له تسلیم کنند و یا به نام آنها ثبت و یا معاملاتی راجع به اموال و دارایی های متوفی انجام دهند. نظر به اینکه آیین نامه اجرایی تبصره 2 ماده 34 قانون مالیات های مستقیم صرفا در راستای اجرای حکم مقرر در ماده 34 قانون فوق الذکر وضع شده و در ماده یاد شده نیز تسلیم اموال و دارایی های متوفی به وراث یا موصی له و یا ثبت و انجام معاملات راجع به اموال و دارایی های آنها منوط به پرداخت مالیات شده است، لذا حکم مقرر در ماده 13 آیین نامه اجرایی تبصره 2 ماده 34 قانون مالیات های مستقیم مبنی بر طرح اعتراض مؤذی در هیأت حل اختلاف مالیاتی پس از پرداخت مالیات متعلقه، مقایر با قوانین و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب نبوده و ابطال نشد.

ثالثاً: حتی مالیات قطعی شده نیز قابلیت تقصیط را دارد. بنابر مقررات ماده 167 قانون مالیاتهای مستقیم «سازمان امور مالیاتی می تواند نسبت به مودیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به طور یک جا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداقت به مدت سه سال تقصیط نمایند.» دادنامه شماره 1397-5-23-1326 هیات عمومی دیوان عدالت اداری نیز در مورد مشابه بند 3 بخششته شماره 51076 1388-4-27 را که مودی جهت تجدیدنظر خواهی (موضوع ماده 247 قانون مالیاتهای مستقیم) الزام به پرداخت مالیات مورد قول می نمود، ابطال نموده است.

رابعاً: با تفسیر موسوع از اصل 34 قانون اساسی دادخواهی مالیاتی در مراجع اختصاصی شبه قضائی که قانون تعیین نموده از مصادیق اصل مذکور می باشد و اشخاص می توانند جهت حل و فصل اختلافات مالیاتی تقاضای طرح پرونده را در این مراجع مالیاتی درخواست نمایند. بنابراین انانه پرداخت مالیات جهت طرح پرونده در هیات حل اختلاف فاقد وجاهت قانونی می باشد. اعتراض به مالیات مشخصه و تفاضلی دادرسی عادله در مراجع قانونی از حقوق بینایین مودیان و منبع از اصل 34 قانون اساسی است که مقید به هیچ پیش شرط نشده است. این اساسی به صراحت اعلام داشته «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس منظور دادخواهی به دادگاه های صالح نماید. همه افراد ملت حق دارد نموده این کوته دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعته به آن را دارد منع کرد.» با عنایت به اینکه هیأتی از حل اختلاف مالیاتی که به موجب ماده 244 مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات مالیاتی می باشد بنا بر تفسیر موسوع از اصل 34 هیأتی از حل اختلاف مالیاتی نیز از مصادیق این اصل می باشد، قانونگذار در قانون مالیاتهای مستقیم در مواد 238، 244، 247، 251، 216 و 251 مکرر مراحل دادرسی مالیاتی را تعیین نموده است. حضور در این مراجع مالیاتی به هیچ وجه مشروط به پرداخت مالیات نشده است.

خامساً: مشروط نمودن پرداخت مالیات قطعی نشده جهت طرح در هیأتهای حل اختلاف مالیاتی، یا تجدید رسیدگی توسط اداره امور مالیاتی موضوع ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم علاوه بر اینکه خلاف قانون می باشد و می تواند موجب توالی فساد گردد اطالة دادرسی را به همراه خواهد داشت. انانه به پرداخت مالیات قطعی نشده جهت درخواست تجدید کارشناسی توسط اداره امور مالیاتی مربوطه (موضوع ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم) یا طرح پرونده در هیأتهای حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده 244 و 247 قانون مذکور و سپس فرایند استرداد مالیات در اجرای مقررات مواد 242 و 243 قانون مورد بحث، منصرف از مفادیرت آن با قوانین مالیاتی و اصول دادرسی موجب اطالة دادرسی نمود. طولانی شدن فرایند دادرسی گذشته از اینکه تاریخی مقدم و مراجعنان به نظام مالیاتی را به دنبال دارد محظوظانی در پرداخت مالیات مشخص (قطعی نشده) که متحمل است در تجدید قرار کارشناسی توسط اداره امور مالیاتی مربوطه یا طرح پرونده هیأتهای حل اختلاف مالیاتی (بدوی و تجدیدنظر) رفع تعرض یا حداقل تعديل گردد به وجود می آورد و مودیان را جهت استرداد مالیات پرداخت شده گرفتار بورکراسی اداری می نماید که احتمال توالی فساد در فرایند استرداد نیز وجود دارد. همچنین با عنایت به اینکه غالب مودیان به مالیات تشخیص شده توسط ادارات امور مالیاتی معترض می باشد مشروط نمودن اجابت درخواست تجدید رسیدگی یا طرح پرونده در هیأتهای حل اختلاف مالیاتی به پرداخت بلاوجه مالیات و سپس فرایند استرداد آن موجب اختلال در نظم مالی و مالیاتی کشور و ایجاد کار ضاغع برای کارمندان اداری سازمان مالیاتی می گردد. مضامن اینکه مقررات بند 13 آینین نامه مورد بحث مخالف «اصل صرفه جویی» که یکی از اصول چهارگانه در اخذ مالیات پرداخت شده اصل فوق آن است که در مالیاتها بایستی حتی مخارج وصول به حداقل تقلیل داده شود و به هر حال مخارج وصول فقط جزئی از مبلغ وصول مالیات باشد. اصل صرفه جویی در وصول مالیاتها و برقراری مالیات بر طبق اصول اقتصادی است که از یک طرف ناظر بر سازمان و وصولی دولت بوده و از طرف دیگر نوع مالیاتها را در سیاست مالیاتی دولت مورد توجه قرار می دهد. بنابراین اصل مالیات و طریقه وصول آن باید طوری تنظیم شده باشد که تفاوت بین اصل مالیات پرداختی توسط مالیات دهنده و آنچه پس از کسر هزینه های مربوط تحويل خزانه دولت باشد. به عبارت دیگر مالیات باید طوری وصول شود که هزینه وصول آن نسبت ناجیری از اصل مالیات باشد. یکی از علل مهمی که در ارزیابی هزینه وصول مؤثر است وجود افرادی است که به منظور برقراری و با وصول یک مالیات در سازمان دولت انجام وظیفه می تمایند و قسمت اعظم وصولی مالیات صرف پرداخت حقوق و مستمری آنها می شود. با توجه به اینکه غالب پرونده های مالیاتی در هیأتهای حل اختلاف مالیاتی منتهی به تعديل و درصدی از آنها نیز متفق به رفع تعرض می گردد فرایند استرداد مالیات اخذ شده مستلزم صرف وقت و هزینه های قابل توجهی برای سازمان امور مالیاتی می باشد که این امر به خودی خود نقض غرض و مغایر با اصل صرفه جویی می باشد.

سادساً: قواعد آمره حاکم بر دادرسی مالیاتی در قانون مالیاتهای مستقیم تفکیک نگذیده و برای مالیات بر ارت و سایر مالیاتهای دیگر بکسان عمل می گردد. با توجه به اینکه قانونگذار در صدر ماده 244 قانون مالیاتهای مستقیم تصريح نموده که هیأتهای حل اختلاف «مرجع حل و قفل کلیه اختلافات مالیاتی» می باشند. این قاعده قابل تعبیر به کلیه اختلافات مالیاتی اعم از مالیات بر اشخاص حقوقی، مشاغل، مستغلات، حق تمد، درآمدهای اتفاقی، ارت، جرایم مالیاتی و سایر موارد نیز می باشد و فرقی بین اختلاف مالیاتی در موضوع مالیات بر ارت و غیر آن نمی باشد. بنابراین وضع قاعده خاص و محدود حکم مزبور به پرداخت مالیات صرفا برای مودیان مالیات بر ارت جهت طرح پرونده و حل و فصل اختلاف در اداره امور مالیاتی (موضوع ماده 238) یا هیأتهای حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده 244 و 247 با موازن قانونی سازگار ندارد.

سابعاً: فلسفه وجودی هیأت موضوع ماده 216 شکایت مودی از اقدامات اجرایی می باشد. بنابراین زمانی که مالیات پرداخت شده باشد اساساً اقدام اجرایی صورت نگرفته که مودی بتواند از آن شکایت نماید و پرونده قابلیت طرح در این هیات را ندارد. منصرف از مواردی که ذکر شد مقررات بند 13 آینین نامه مورد بحث دارای نوعی آشوبی و تناقض می باشد که مبنی این است تهیه کنندگان پیش نویس این آینین نامه در سازمان امور مالیاتی فاقد اطلاعات حقوقی و مالیاتی بوده اند به نحوی که حتی توجه ننموده اند مقررات ماده 216 قانون مالیاتهای مستقیم ناظر به شکایت از اقدامات اجرایی می باشد ولایر. وقتی به موجب مقررات بند 13 آینین نامه مورد بحث پرداخت مالیات صورت نگرفته باشد دیگر اقدامات اجرایی علیه مودی صورت نگرفته که برای مودی طرح شکایت در هیات موضوع ماده 216 موضوعیت داشته باشد. با فرض طرح پرونده در هیات موضوع 216 به علت فقد هرگونه عملیات اجرایی شکایت مودی مسموع نمی باشد.

آنچه که در ترتیبات قانون برای حل و فصل اختلافهای مالیاتی مقرر گردیده این است که اگر مودی به تعیین مالیات مشخصه معتبرض باشد در اداره امور مالیاتی تقاضای تجدید رسانیدگی می کند (موضوع ماده 238 قانون مالیاتهای مستقیم) چنانچه اعتراض مودی وارد تشخیص داده شد اختلاف در همان اداره امور مالیاتی حل و فصل و پرونده مختومه می گردد. اما اگر اداره امور مالیاتی اعتراض مودی را وارد نداند پرونده امر را به هیأت حل اختلاف (موضوع ماده 244) ارجاع می دهد. رای صادره از هیأت حل اختلاف قطعی می باشد مگر اینکه ظرف 20 روز از سوی اداره امور مالیاتی یا مودی مورد اعتراض قرار گیرد. در صورت اعتراض یکی از طرقین و تقاضای تجدیدنظر خواهی پرونده امر در هیأت حل اختلاف تجدیدنظر (موضوع ماده 247) رسانیدگی می گردد. آراء صادره هیاتهای تجدیدنظر قطعی و لازم الاجرا می باشد. بعد از رأی اصداری هیأت تجدیدنظر مودی یا اداره امور مالیاتی می تواند به علت تغییر رسیدگی» یا تغییر موقررات «ظرف یک ماه به شورای عالی مالیاتی شکایت و نقض رأی تجدیدنظر را درخواست نماید. شکایت به شورای عالی مالیاتی موجب توقف اقدامات اجرایی نمی گردد، لکن اگر مودی از اقدامات اجرایی شکایت داشته باشد مراتب در هیأت موضوع ماده 216 قابل رسیدگی می باشد. آراء صادره از هیأت مذبور قطعی و لازم الاجرا می باشد. تهیه کنندگان پیش نویس این آیین نامه در سازمان امور مالیاتی توجه نداشته اند که طرح پرونده در هیأت موضوع ماده 216 قانون مالیاتهای مستقیم مستلزم اقدامات اجرایی توسط اداره وصول اجراء و شکایت مودی از اقدامات اجرایی می باشد. این امر زمانی متصور است که فرایند قطعیت پرونده انجام شده باشد و بگ قطعی نیز با ترتیبات مقرر در ماده 210 صادر و به مودی ابلاغ شده باشد و مودی مالیاتی نیز از پیداگیری (10 روز) استنکاف نموده باشد که متعاقب آن بگ اجرای توسط اداره وصول اجراء مراتب طبق ترتیبات که در آن مشخص شده از طریق قوه قدریه مالیات قطعی شده به بیمه وصول درآید. بنابراین با فرض رعایت بند 13 آیین نامه مبنی بر انطه پرداخت مالیات، طرح پرونده در هیأت موضوع ماده 216 دیگر موضوعیت خواهد داشت، زیرا فلسفه وجودی هیأت موضوع ماده 216 رسیدگی به شکایات از اقدامات اجرایی می باشد «زمانی که هیچ گونه اقدام اجرایی صورت تکریفه طرح پرونده در هیأت موضوع 216 سالیه به انتقاء موضوع خواهد بود. بنا بر موارد اشاری و با پرهیز از تکرار مکرات همچنین با تأکید بر اینکه انانکه پرداخت مالیات قطعی نشده جهت طرح پرونده در هیاتهای حل اختلاف مالیاتی خلاف قوانین مالیاتی و اصول دادرسی عادلانه، همچنین مخالف اصول حاکم بر حقوق اداری من جمله اصل انتظامات مشروع و اصل معقول بودن می باشد و برای موبیان مالیات بر اثر تکلیف مالابداطیق است ابطال بند 13 تصویب نامه هیأت وزیران به شماره 1394.4.31 مورد 1395.1.21-52885.3869 ت. مخصوص به آیین نامه اجرایی ماده 34 قانون مالیاتهای مستقیم مصوب 1394 مورد استدعااست.

در اجرای ماده 84 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال 1392 پرونده به هیأت تخصصی اقتصادی، مالی دیوان عدالت اداری ارجاع می شود و هیأت مذکور درخصوص خواسته شکایت مبنی بر تقاضای ابطال ماده 8 « آیین نامه اجرایی ماده 34 اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال 1394 » موضوع مصوبه شماره 1395.1.21-52885.3869 هیات و زیران، آن را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات نداشته است و به استناد بند «ب» ماده 84 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال 1392 به موجب دادنامه شماره 728 و 1398.10.21-727 رأی به رد شکایت شکایت صادر گرده است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

رسیدگی به ماده 13 « آیین نامه اجرایی ماده 34 اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال 1394 » موضوع مصوبه شماره 1395.1.21-52885.3869 ت. هیأت و زیران در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ 16 آذر 1398 با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت گرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای ماده 34 قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی سال 1394، اشخاص موضوع این ماده مجاز نیستند قبل از اخذ گواهی پرداخت مالیات مربوط موضوع این قانون، اموال و دارایی های مذکور انجام دهند. نظر به اینکه آیین نامه اجرایی تبصره 2 ماده 34 قانون مالیاتهای مستقیم صرفا در راستای اجرای حکم مقرر در ماده 34 قانون فوق الذکر وضع شده و در ماده یاد شده نیز تسلیم اموال و دارایی های مذکور به ورات یا موصی له و یا ثبت و انجام معاملات راجع به اموال و دارایی های آنها منطقه به پرداخت مالیات شده است، لذا حکم مقرر در ماده 13 آیین نامه اجرایی تبصره 2 ماده 34 قانون مالیاتهای مستقیم مبنی بر طرح اعتراض مؤذی در هیأت حل اختلاف مالیاتی پس از پرداخت مالیات متعلقه، مغایر با قوانین و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب نبوده و ابطال نشد.

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری